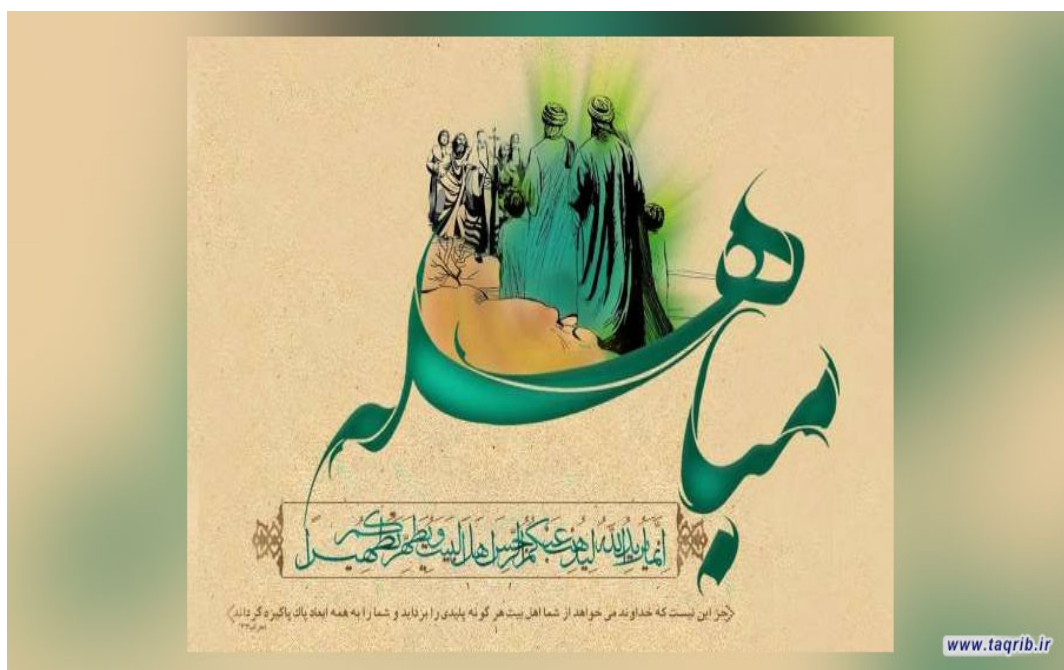


واقعه "مباهله" یکی از رویدادهای مهم تاریخ اسلام



روز مباحله یکی از ایام مهم و مبارک در تاریخ اسلام است که در این گزارش تلاش کرده‌ایم با ابعاد مختلف آن آشنا شویم.

به گزارش خبرگزاری تقریب، واقعه «مباحله» یکی از رویدادهای مهم تاریخ اسلام است این اتفاق پیام‌های بزرگی را در دل خود جای داده و توانسته است خود را در برابر اهل کتاب به عنوان سندی برای اثبات حقانیت اسلام مطرح می‌کند در این رویداد رسول گرامی اسلام (ص) در هم‌آورد طلبی مسیحیانی که خود را بر حق می‌دانستند با بزرگترین و ارزشمندترین دارایی‌هایش که عزیزان جان‌ش بودند حاضر شد و همین امر نشان داد که رسول گرامی اسلام (ص) ذره‌ای شک در حقانیت مسیری که آغاز کرده است ندارد و یقین او بر حقانیتش علمای جبهه مقابل را به هراس انداخت تا میدان مباحله را خالی کند.

این پیروزی مبارک علاوه بر اینکه حقانیت پیامبر خاتم (ص) را نشان داد به همگان جایگاه امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام را نزد پیامبر (ص) و خداوند متعال به نمایش گذاشت تا کسی نتواند او را انکار کند؛ به تعبیر یکی از علما؛ مباحله علاوه بر اثبات حقانیت رسول خدا (ص)، افضلیت

امیرالمؤمنین علیه السلام، عظمت جایگاه حضرت زهرا سلام الله علیها و حسنین علیهم السلام یک نکته دیگر نیز دارد و آن هم اینکه مسیحی اگر حق بین باشد نور هدایت را در پنج تن می بیند اما ممکن است مسلمان بی ولایت بر در خانه وحی لگد زند یا با تکبیر سر از بدن فرزند پیغمبر جدا کند.

مباهله چیست؟

مباهله در واقع بین چند گروه یا عمدتاً دو گروه رخ می دهد که با یکدیگر بر سر مسئله ای نزاع دارند و هر دو هم بر حقانیت گفته های خود مصر هستند که بعد از اینکه در بحث به نتیجه نرسیدند مقابل همدیگر قرار می گیرند و مباهله می کنند بدین ترتیب که همدیگر را نفرین می کنند هر کدام از این دو گروه که بر حق باشد سالم می ماند و گروه دیگر که بر باطل اصرار می ورزیدند دچار نفرین و عذاب الهی می شوند و برنده مباهله حقانیتش بر همگان اثبات می شود.

واقعه مباهله با نامه پیامبر (ص) به مسیحیان نجران و دعوت آنان به اسلام شروع شد و در نهایت با عقب نشستن نجرانیان و ایمان آوردن عده ای از آنان پایان یافت چنانچه پیامبر اسلام (ص) هم زمان با مکاتبه با سران حکومت های جهان و مراکز مذهبی، نامه ای به اسقف نجران نوشت و در آن نامه از ساکنان نجران خواست که اسلام را بپذیرند، با توجه به اینکه مسیحیان می دانستند که بعد از حضرت عیسی علیه السلام پیامبری قرار است مبعوث گردد که پیامبر خاتم است و در فرامین آن ها تاکید شده بود که باید از پیامبر خاتم که تکمیل کننده رسالت همه انبیا (ع) است تبعیت کنند و بر همین مبنا اسقف اعظم مسیحیان نجران تصمیم گرفت تا گروهی را به نمایندگی از خود به مدینه النبی (ص) بفرستد تا با پیامبر (ص) سخن بگویند و سخنان او را بررسی کنند.

هیأت اعزامی از نجران که شامل بیش از ۱۰ نفر از بزرگان آنان بود عازم مدینه شدند و در مسجد مدینه با پیامبر اسلام به بحث و گفتگو پرداختند اما بحث ها و گفتگوهای آن ها هیچ نتیجه ای نداشت و هیچ کدام از طرفین بحث حاضر نشد از حقانیت خود کوتاه بیاید لذا بنا بر این شد با توجه به اینکه هم مسیحیان و هم مسلمانان جزو یکتاپرستان بودند و به خداوند باری تعالی اعتقاد داشتند، تعیین حقانیت را به خداوند متعال واگذار کنند و به مباهله پردازند، زمانی که روز موعده مباهله فرا می رسد پیامبر گرامی اسلام (ص) با حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام، دختر گرانقدر شأن حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها، امام حسن مجتبی علیه السلام و امام حسین علیه السلام راهی محل مباهله می شوند و بعد از رسیدن به محل مباهله دو زانو بر روی زمین می نشینند و آماده مباهله می شود، بزرگ مباهله کنندگان نجران که این صحنه را می بیند از اطرافیان می پرسد این ها که همراه پیامبر اسلام

(ص) هستند چه کسانی هستند؟ که متوجه می‌شود پیامبر (ص) با نزدیکترین افراد خود و خانواده‌اش برای مباحله آمده است و همین امر موجب می‌شود که مسیحیان از مباحله عقب‌نشینی کنند و حقانیت اسلام را بپذیرند، در روایتی آمده است که بزرگ مباحله‌کنندگان نجران بعد از دیدن اهل بیت پیامبر (ص) گفته است؛ به خدا سوگند چنان نشسته است که پیغمبران برای مباحله می‌نشستند و در روایت دیگری از قول او آمده است که من صورت‌هایی را می‌بینم که اگر از خدا درخواست کنند کوهی را از جای خود برکنند، هر آینه کنده خواهد شد. پس مباحله مکنید که هلاک می‌شوید و یک نصرانی بر روی زمین نخواهد ماند.

آیه مباحله

یکی از نکاتی که در ذیل مسئله مباحله بسیار حائز اهمیت است نزول آیه مباحله است که نکات بسیار مهم و ظریفی در آن نهفته است، خداوند متعال در آیه ۶۱ سوره آل عمران می‌فرماید: **فَمَنْ حَاجَّكَ فِیهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ**
أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ
فَنَذِرْكُمْ لَعْنَتِ اللَّهِ الْعَلِیِّ الَّتِیْ كَانَتْ بَیْنَ (بنابراین، پس از فرارسیدن علم [وحی] به تو، هر کس درباره او [حضرت عیسی (ع)]، با تو به چالش برخیزد، به او بگو: بیاید تا فرزندانمان و فرزندانتان، و زنانمان و زنانتان، و جان‌هایمان و جان‌هایتان را فراخوانیم، آنگاه (به درگاه خداوند) زاری [تضرع] کنیم تا لعنت خداوند را بر دروغ‌گویان نهمیم.)

در این آیه مبارکه خداوند برای حاضران در مباحله از سه دسته نام برده است، **نِسَاءَنَا**، **أَبْنَاءَنَا** و **أَنْفُسَنَا** (زنان، فرزندان و جان‌ها) خب تعبیر زن در روز مباحله با توجه به اینکه تنها زنی که در روز مباحله شرکت داشته است حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا سلام الله علیها است مشخص است و یقیناً علت اینکه خداوند حضرت زهرا سلام الله علیها را با ضمیر جمع خطاب کرده است به این علت است که این بانوی گرانقدر سیده نساء العالمین است و بر تمام بانوان جهان برتری و سروری دارد و حضور او در این مباحله به معنای حضور تمام زنان قدسی عالم، تعبیر **أَبْنَاءَنَا** نیز برای **حَسَنین** علیهم السلام حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام و حضرت امام حسین علیه السلام به کار رفته است اما بحث موجود بر روی **أَنْفُسَنَا** که طبیعتاً باید برای وجود نازنین و مقدس رسول گرامی اسلام (ص) ذکر شده باشد اما حضور امیرالمؤمنین علی علیه السلام در مباحله نشان می‌دهد که این حضرت نیز در تعبیر انفسنا به معنای نفس و جان پیغمبر داخل می‌شود و این امر نشان از جایگاه والای امیرالمؤمنین علی علیه السلام است چرا که پیامبر گرامی اسلام (ص) که از اولین دعوت به اسلام همواره بر بیان جایگاه

علی علیه السلام تاکید کرده است اینجا نیز با همراه کردن این وجود قدسی خواسته است که حضرت را مورد توجه قرار دهد اما اینجا پیامبر نیست که در وصف علی چیزی می‌فرماید بلکه خود خداوند است که او را جان و نفس پیامبر (ص) خطاب می‌کند در حالی که قطعاً برای خداوند کاری نداشته که با اضافه کردن یک کلمه دیگر به این آیه جلوی همچنین برداشت‌هایی را بگیرد.

چنانچه خود رسول گرامی اسلام (ص) بارها فرموده‌اند: **إِنَّ سَعْدَ عَلِيٍّ أُمَّةٌ مِّنِّي وَ إِيَّاهُ مَنَعْتُ وَ هُوَ وَ لِي سَعْدٌ كُلِّ مَوْءَمِنٍ بَعْدِي.** (همانا علی از من است و من از علی هستم، هر مؤمنی بعد از من، علی مولا و صاحب‌اختیار او است) یا در حدیث دیگری فرموده‌اند: **أَنَا وَ عَلِيٌّ مِّنْ شَجَرَةِ وَاحِدَةٍ وَ النَّاسُ مِمَّنْ أَشْجَارِ شَتَّى.** ریشه من و علی از یک درخت است، و دیگر مردم از درختان گوناگون هستند.

وحدت وجودی امیرالمؤمنین علی علیه السلام و پیامبر اسلام (ص) در مباحله

حجت‌الاسلام رسول صیاحی در رابطه با مباحله ضمن اشاره به آیه ۶۱ سوره آل عمران در گفت‌وگو با خبرنگار مهر اظهار کرد: یکی از نکات نهفته در آیه مباحله اشاره به وحدت وجودی بین امیرالمؤمنین علی علیه السلام و رسول گرامی اسلام (ص) است، امیرالمؤمنین علی علیه السلام به نهایت تبعیت از خداوند و رسول گرامی اسلام (ص) رسیده است؛ از این رو زمانی که خداوند امر به حضور پیامبر با جان و نفس پیامبر می‌کند او با امیرالمؤمنین علی علیه السلام به میدان می‌آید.

چرا امیرالمؤمنین علی علیه السلام قرآن ناطق است؟

این کارشناس دینی با اشاره به آیاتی از سوره شعرا گفت: خداوند در آیات ۱۹۲ تا ۱۹۴ سوره شعرا اشاره به نزول قرآن بر قلب پیامبر (ص) دارد بنابراین می‌توانیم با استناد به این آیات و همچنین تطبیق آن با سوره مباحله به این نتیجه برسیم که قرآن ناطق بودن علی علیه السلام تنها یک شعار نیست بلکه او به همان میزان که پیامبر اسلام (ص) از قرآن بهره برده است بر سر سفره قرآن نشسته است.

رونمایی از جان پیغمبر (ص) در روز مباحله

وی تاکید کرد: یکی از اساتید بزرگ می‌فرمودند روز مباحله، روز پرده افکنی از جان رسول اوست

□ علیه و آله است و از حضرت علی علیه السلام در این روز به عنوان جان پیغمبر (ص) رونمایی و پرده برداری می‌شود.

شیخ رسول صیاحی تصریح کرد: به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی مباحثه □ نشان دهنده □ اهمیت بیان حقیقت و ابلاغ حقیقت است و رسول گرامی اسلام (ص) به ما این درس را می‌دهند که هیچ چیز از حق و حقیقت ارزشمندتر نیست حتی اگر به قیمت بذل جان همه عزیزان و نزدیکان باشد.